

## مبانی و حدود جرم‌انگاری در لایحهٔ حفاظت و بهره‌برداری از منابع ژنتیکی

جعفر یزدیان جعفری

دانشیار حقوق دانشگاه کاشان. کاشان. ایران.

J\_Yazdian@yahoo.com

### چکیده

جرم‌انگاری به‌عنوان پیش‌بینی شدیدترین واکنش اجتماعی برای برخی اعمال مستلزم رعایت مبانی و اصول خاص خود است. مهم‌ترین اصل در بین این اصول، اصل مشروعیت و موجه‌بودن جرم‌انگاری است. در مقالهٔ پیش رو میزان رعایت این دو اصل در لایحهٔ حفاظت و بهره‌برداری از منابع ژنتیکی مصوب ۱۳۹۳ هیئت وزیران، که تقدیم مجلس شده است، مورد بررسی اجمالی قرار گرفته است. حاصل این پژوهش نشان می‌دهد در تصویب این لایحه، اصول مزبور، اگر نگوئیم تماماً لاًقل در بخشی مراعات نشده است. یعنی اگر هم مبانی جرم‌انگاری رعایت شده باشد، لاًقل حدود آن رعایت نشده است و انتظار می‌رود قانون‌گذار پیش از تصویب لایحه به نتایج جرم‌انگاری این اعمال توجه کند. کلیدواژه‌ها: جرم‌انگاری، مشروعیت، ضرورت، منابع ژنتیکی، اخلاق زیستی.

## مقدمه

لایحهٔ حفاظت و بهره‌برداری از منابع ژنتیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۱۹ هیئت وزیران که برای تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم شده است در مادهٔ ۸ خود برخی اعمال را در حوزهٔ فناوری‌های زیستی جرم‌انگاری کرده است. در این ماده آمده است: «رفتارهای زیر جرم است و حسب مورد مرتکب به مجازات مربوط محکوم خواهد شد:

الف- دسترسی و بهره‌برداری ژنتیکی بدون رعایت آیین‌نامهٔ اجرایی موضوع مادهٔ ۶ و صادرات و خارج ساختن منابع ژنتیکی به منظور دسترسی و بهره‌برداری از منابع ژنتیکی بدون مجوز نهاد متولی مربوط به ترتیب مستوجب یک یا چند نوع از مجازات‌های تعزیری درجهٔ ۵ و ۶ قانون مجازات اسلامی است.

ب- هرگونه اقدام به فرسایش و یا تخریب عمدی و بدون مجوز منابع ژنتیکی و یا زیستگاه‌های آن‌ها که موجب به مخاطره افتادن آن منابع شود مستوجب یک یا دو نوع از مجازات‌های درجهٔ ۴ تعزیری قانون مجازات اسلامی است و چنانچه اقدامات صورت گرفته به صورت گسترده موجب آسیب و یا از بین رفتن منابع ژنتیکی گردد و امنیت ملی را در حوزه‌های اقتصادی، غذایی، زیست محیطی و دفاعی با مخاطره مواجه کند، موضوع از مصادیق فصل نهم از بخش دوم کتاب حدود قانون مجازات اسلامی است و بر همان اساس عمل خواهد شد. رهاسازی بدون مجوز نمونه‌های ژنتیکی بیگانه در صورتی که موجب فرسایش و یا تخریب منابع ژنتیکی و یا زیستگاه‌های آن‌ها شود نیز مشمول همین حکم است».

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در این ماده چهار عمل «دسترسی، بهره‌برداری، اقدام به فرسایش و تخریب» منابع ژنتیکی جرم شناخته شده است و تحت شرایطی امکان تلقی این اعمال به عنوان حد فساد نیز وجود دارد. همچنین، مطابق بند «الف» مادهٔ ۱ لایحهٔ مزبور منظور از منابع ژنتیکی هر نوع مادهٔ ژنتیکی با منشأ گیاهی جانوری یا ریزسازواره است که دارای واحدهای قابل توارث باشد و ارزش بالفعل یا بالقوه داشته باشد. به این ترتیب و با توجه به اینکه لایحهٔ مزبور به پیشنهاد وزارت جهاد کشاورزی به تصویب رسیده است باید آن را فارغ از منابع ژنتیکی انسانی در نظر گرفت.

راجع به اصل جرم‌انگاری رفتارهای حوزه اخلاق زیستی مباحث مفصلی مطرح شده و کتب و مقالات زیادی در چند سال اخیر نگاشته شده است؛ در ظاهر، براینکه این مباحث حرکت به سمت

جرم‌انگاری این رفتارها بوده است.<sup>۱</sup> اما سؤال اینجاست که آیا اصول جرم‌انگاری در لایحه مورد بحث رعایت شده است؟ در این مختصر برآنیم با توجه به اصول و مبانی جرم‌انگاری به این مهم بپردازیم. در ادامه ابتدا به اختصار به اصول جرم‌انگاری اشاره خواهد شد، سپس جایگاه آن‌ها را در لایحه از نظر خواهیم گذراند.

## الف- اصول جرم‌انگاری

راجع به جرم‌شناختن یک رفتار معمولاً به دو شرط اشاره می‌شود: یکی غلط‌بودن رفتار و دیگری ضروری بودن جرم‌شناختن آن رفتار. در تشخیص غلط‌بودن رفتار دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد؛ در یک نظر رفتاری غلط محسوب می‌شود که مضر باشد و در دیدگاه دیگر رفتار غلط همان رفتار غیراخلاقی است ولو مضر نباشد؛ دیدگاه سوم دیدگاه تلفیقی است که مطابق آن رفتاری غلط است که فی‌نفسه غیراخلاقی باشد، اما منتهی به ایراد صدمه و ضرر نیز بشود (کلارکسون، ۱۳۹۱: ص ۱۲۳).

در حال، غلط‌بودن رفتار شرط لازم برای جرم‌انگاری است، اما شرط کافی نیست. ضابطه ضرورت نیز باید احراز شود که مطابق آن اولاً، به شیوه دیگری نتوان از وقوع رفتار غلط پیشگیری کرد و ثانیاً، استفاده از حقوق کیفری نافع باشد؛ یعنی فایده حاصل از استفاده از آن بر زیان مربوط غلبه کند؛ به عبارت دیگر، منافع جرم‌شناختن رفتار بر هزینه‌ها بچربد (همان: ص ۱۲۹).

راجع به بُعد اول شرط ضرورت می‌توان به ابزارهای غیرحقوقی مانند انواع پیشگیری‌های اجتماعی و وضعی و همچنین، ابزارهای حقوقی غیرکیفری چون ضمانت اجراهای مدنی و در نهایت، انضباطی اشاره کرد؛ راجع به بعد دوم آن نیز لازم است انواع مختلف هزینه‌ها شامل هزینه‌های اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، به‌طور عینی و تجربی، تحلیل شود (فرحبخش، ۱۳۹۲: صص ۳۳۱-۳۲۶). این دو شرط همانند صافی‌هایی برای دخالت حکومت در آزادی‌های فردی عمل می‌کند و مانع جرم‌انگاری‌های فاقد اصول و ضوابط می‌شود. با اعمال شرط اول مطمئن خواهیم شد که جرم‌انگاری «مشروع» است و با شرط دوم از «موجه» بودن جرم‌انگاری اطمینان

۱. شایان ذکر است اگرچه در سال ۱۳۸۸ قانون ایمنی زیستی به تصویب مجلس رسیده است، فاقد مقررات کیفری در این زمینه است. به اعتقاد برخی نویسندگان لازم است در قالب تعزیر به واکنش کیفری نسبت به این اعمال پرداخت (رهبرپور، ۱۳۹۵: ص ۲۰۸).

حاصل خواهیم کرد (همان: ص ۲۹۲).<sup>۱</sup> با این توضیح مختصر، حال باید دید جرم‌انگاری‌های ماده ۸ در حوزه منابع ژنتیکی می‌تواند مشروع و در عین حال موجه باشد؟

## ب- جایگاه اصول جرم‌انگاری در لایحه ۱. مشروعیت جرم‌انگاری

اگر قائل به نظریه غایت‌گرایانه باشیم، باید احراز کنیم که رفتارهای پیش‌بینی شده در لایحه مضر هستند. طرفداران جرم‌انگاری در این حوزه برای توجیه ضرر اشاره می‌کنند که دست‌کاری‌های ژنتیکی بالقوه خطرناک‌اند و موجب کاهش تنوع بیولوژیک، جهش‌های ژنتیکی ناخواسته، آسیب‌پذیری در مقابل بیماری‌های ناشناخته و در نهایت، نابودی و انقراض نسل خواهد شد؛ از این رو، تا حصول پیشرفت‌های جدیدتر و روشن شدن ابهامات و نقاط مجهول و راه‌های مقابله با این خطرها باید از به‌کاربردن این فناوری‌ها خودداری کرد (رهبرپور، ۱۳۹۳: ص ۱۳۲).

به اعتقاد برخی نویسندگان، بیان این قبیل مخاطرات مبتنی بر نوعی زیست‌فناوری هراسی و با انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی است؛ به عبارت دیگر، برخی احزاب و گروه‌های سرمایه‌دار غربی با ایجاد جو منفی در جامعه و انتظار برای جرم‌انگاری در مردم از نهادهای سیاسی و قانون‌گذاری به ایجاد چنین هراسی در جامعه دامن می‌زنند؛ حال آنکه این مخاطرات به امور ملموس و قابل اثبات از طریق تجربه یا برهان متکی نیست (حبیبی و معلی، ۱۳۹۴: صص ۳۲۵-۳۲۱)؛<sup>۲</sup> حتی برعکس، می‌توان مدعی شد حیات نیکو از طریق مهندسی ژنتیک دست‌یافتنی است و با بهسازی ژنتیک مهار بیشتری بر توانایی‌هایمان برای داشتن زندگی نیکو خواهیم داشت. تربیت نقش خود را ایفا می‌کند و لی امکان مهار مواد خام طبیعت، امتیاز ویژه‌ای برای تربیت در اختیار ما قرار می‌دهد (زوک، ۱۳۹۲: ص ۴۸۸). نباید طبق قواعد مطلق پیشین یا اصول جزمی یا مابعدالطبیعی عمل کرد.

۱. به‌طور خلاصه می‌توان این‌گونه گفت که حقوق‌کیفری به‌عنوان شدیدترین ضمانت اجرای قواعد حقوقی تنها باید به‌صورت آخرالدواء مورد استفاده قرار گیرد و آن در صورتی است که اصول جرم‌انگاری در مورد هر جرم رعایت شده باشد؛ یعنی اولاً، رفتار در زمره شدیدترین رفتارهای ضداجتماعی باشد؛ ثانیاً، با ابزارهای دیگری غیر از مجازات نتوان از آن جلوگیری کرد و ثالثاً، فواید جرم‌انگاری آن بیشتر از زیان‌های احتمالی جرم‌انگاری باشد (فلاحی، ۱۳۹۳: ص ۱۱۸).

۲. اگر این مطلب صحت داشته باشد نتیجه‌اش، طبق یک تعریف عوام‌گرایی کیفری یعنی «اتخاذ مجموعه‌ای از سیاست‌های کیفری براساس میزان کسب آرا و نه کاهش جرم یا اجرای عدالت»، قبول نوعی عوام‌گرایی کیفری در حوزه فناوری‌های زیستی خواهد بود. (برای اطلاع بیشتر در این زمینه ر.ک: جان پرت، ۱۳۹۲).

حتی راجع به انسان استدلال می‌شود تکثیر انسان‌های سالم از شیوع بیماری‌های ژنتیکی جلوگیری می‌کند و عوامل مثبتی را که در تولید مثل متعارف در دسترس است ارتقا می‌بخشد (فلچر، ۱۳۸۷: ص ۳۰۹). به طریق اولی راجع به گیاهان و جانوران می‌توان این استدلال را به کار برد که استفاده از تغییرات ژنتیکی در آن‌ها موجب افزایش رفاه انسان در استفاده از طبیعت خواهد شد. واقعیت آن است که در ارزیابی خطر کلیه محصولات غذایی و دارویی استانداردهای مشخصی تعریف شده است؛ این معیارها شامل وجود احتمال، شدت محتمل، درصد احتمال و میزان خطر است. ممکن است در نهایت بپذیریم که خطرهای نامطلوب احتمالی متصور است، اما در مراحل بعدی شدت، درصد احتمال و میزان خطر را نمی‌توانیم تشخیص دهیم (حکمت‌نیا و معلی، ۱۳۹۱: ص ۲۲). با توجه به اینکه حقوق کیفری از شدیدترین ضمانت اجرای حقوقی استفاده می‌کند (مجازات)، باید با اطمینان اقدام به سلب حقوق و آزادی‌های فردی کرد.

از سوی دیگر نیز به اعتقاد برخی می‌توان با مبنای اخلاق‌گرایی به جرم‌انگاری چنین رفتارهایی پرداخت؛ برای مثال گفته شده است اگر ضرورت وجود تنوع ژنتیک در خلقت مطلوب نباشد و یکدست شدن موجودات دارای اهمیت باشد و ارزشی بنیادین تلقی شود، آن‌گاه اخلاق‌گرایی قانونی اجازه جرم‌انگاری را به قانون‌گذار می‌دهد (برهانی و رهبرپور، ۱۳۹۰: ص ۵۴). در پاسخ باید گفت اولاً، آیا تنوع ابتدایی یک موضوع مطلوب است؟ چنانچه این تنوع براساس انواع خوب و بد حاصل شده باشد باز هم می‌توان گفت با یک امر مطلوب روبه‌رو هستیم؟ حتی راجع به انسان، به اعتقاد برخی، چون توزیع ابتدایی مواهب طبیعی براساس شایستگی اخلاقی نبوده است، به یک اصل اصلاحی نیاز است و این اصل اصلاحی همین مهار بخت‌آزمایی طبیعی است (زوکِر، همان: ص ۴۸۹)؛ ثانیاً، باید مراقب بود که در مباحث اخلاقی، احساسات و احیاناً تعصبات دخالت نداشته باشند.

در هیچ جامعه‌ای نمی‌توان به یک اخلاق متعارف سره و خالص دست یافت، زیرا در اغلب موارد با آداب و رسوم، عرف و غیره خلط می‌شود پذیرش شهودهای اخلاقی اغلب از روی عادت و تلقین است تا انتخاب آگاهانه و مبتنی بر تحقیق؛ از این رو، احتمال آلوده‌بودن آن به تعصب‌های گوناگون وجود دارد (فرحبخش، ۱۳۹۲: ص ۳۴۶). آیا قضاوت مورد را در این زمینه کسی به دقت تحلیل کرده است؟ و آیا اطلاعات لازم را برای قضاوت اخلاقی صحیح به مردم داده‌اند؟ اغلب مردم فکر می‌کنند که عواقب اعمال‌شان با اخلاق در ارتباط است، مثلاً در اینکه اگر راست یا دروغ بگوییم آنچه پیش خواهد آمد در اخلاقی دانستن راستگویی مؤثر است (محقق داماد، ۱۳۸۸: ص

۷۲): در این صورت، وقتی عواقب فناوری‌های زیستی به‌درستی روشن نیست، چگونه می‌توان انتظار ارزیابی اخلاقی از رفتار را داشت؟ به عقیده برخی شاید بتوان تکنولوژی ژنتیک را از نظر اخلاقی خنثی در نظر گرفت؛ بدین معنا که مثلاً داشتن اطلاعات دقیق از ژنوم و شناسایی همه آن‌ها هیچ‌گونه کمکی به ارزشیابی اخلاقی در مورد پیش‌بینی آینده بشر نمی‌کند (متولی‌زاده اردکانی، ۱۳۸۹: ص ۱۷۷). مفاهیم جدید و مسائل اخلاقی مرتبط با آن نشان از تغییر اساسی در دیدگاه‌ها و جهان‌بینی انسان نسبت به خود و جایگاهش در بین دیگر موجودات روی زمین دارد (همان: ص ۱۸۰). قضاوت‌های مردمی اغلب مبتنی بر القائات رسانه‌ها با اغراق از اصلاح ژنتیکی و فاقد حمایت تجربی و علمی است؛ حال آنکه در حقوق باید تصمیم‌گیری‌ها براساس عقل و منطق باشد و نه احساسات و عواطف.

## ۲. موجه بودن جرم‌انگاری (ضرورت جرم‌انگاری)

بر فرض اینکه بپذیریم جرم‌انگاری در حوزه منابع ژنتیکی واجد مشروعیت باشد، راجع به موجه بودن آن نیز تردیدهایی وجود دارد؟ در اینجا باید دید اولاً، آیا قانون‌گذار از سایر مکانیسم‌ها برای کنترل استفاده کرده است و ثانیاً، آیا اصل حداقلی بودن مداخله را رعایت کرده است؟ راجع به پیشگیری اجتماعی و وضعی مطلب مفصل است؛ از جمله اینکه با تربیت متخصصان متعهد می‌توان از سوءاستفاده‌های احتمالی در این زمینه جلوگیری کرد. همچنان‌که می‌توان با افزایش نظارت و کنترل در استفاده از منابع ژنتیکی جلوی این قبیل سوءاستفاده‌ها را گرفت. جرم‌شناختن رفتار آخرین چاره است به شرطی که سایر ابزارها را آزموده باشیم. به‌علاوه، اگر فرض را بر وجود خطر یا غیراخلاقی بودن رفتار بگذاریم، تا چه حد می‌توان حدود این ممنوعیت را گسترش داد؟

آنچه در حقوق کیفری معهود است این است که باید به اصل مادی بودن جرم وفادار بود؛ یعنی حقوق کیفری رفتارهایی را جرم‌انگاری می‌کند که به مرحله انجام عنصر مادی رسیده یا لااقل در جرائم شدید و نسبتاً شدید شروع به چنین رفتارهایی شده باشد؛ از این رو، مقدمات بعیده را از حوزه جرم‌انگاری خارج می‌کند.<sup>۱</sup> آنچه در این لایحه مشهود است اینکه در بند «الف» ماده ۸ اعمال

۱. مطابق ماده ۱۲۳ قانون مجازات اسلامی، مجرد قصد ارتکاب جرم و یا عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم است و ارتباط مستقیم با وقوع جرم ندارد، شروع به جرم نیست و از این حیث قابل مجازات نیست.

مقدماتی جرم‌انگاری شده است، به گونه‌ای که صرف دسترسی به منابع ژنتیکی جرم شناخته شده است و مطابق بند «ث» ماده ۱ همین لایحه، مراد از دسترسی در اختیار قرارگرفتن منابع ژنتیکی است؛ به عبارت ساده‌تر، صرف نگهداری که در حد مقدمه بعیده است جرم شناخته شده است. همچنین، طبق بند «خ» ماده ۱ بهره‌برداری ژنتیکی نیز که عمل مجرمانه دیگری طبق ماده ۸ است، به معنای استفاده از منابع به منظور تولید هر گونه ماده زیستی مشتق از آن‌ها و منابع ژنتیکی جدید است. از این مفهوم برمی‌آید که حتی بهره‌برداری ژنتیکی نیز منتهی به تولید ماده زیستی نمی‌شود، بلکه هدف و انگیزه آن تولید ماده چنین محصولی است. پس از آنکه این مرحله نیز سپری شد و ماده زیستی با ژنتیک جدید به دست آمد، تازه می‌توان گفت بحث خطر بالقوه (اگر خطری باشد) مطرح می‌شود، یعنی ممکن است خطر فرسایش یا تخریب منابع ژنتیکی را به همراه داشته باشد؛ از این رو، بهره‌برداری از چنین ماده‌ای می‌تواند به عنوان جرم مانع عمل کند و مانع به مخاطره‌افتادن منابع شود. در نتیجه جرم‌انگاری می‌تواند روی این مرحله تمرکز کند که هنوز خطر فعلیت ندارد، نه مراحل پیش از آن یعنی دسترسی و بهره‌برداری.

ممکن است استدلال شود در حقوق کیفری مشابه چنین سیاستی را در جرم‌انگاری در اختیار داشتن (دسترسی) اشیای خطرناکی چون سلاح داریم، چرا در اینجا چنین موضوعی مشروعیت نداشته باشد؟ در پاسخ باید گفت در مورد سایر اشیای خطرناک، چون سلاح، دسترسی به آن‌ها بدون واسطه دیگری می‌تواند منجر به ایجاد خطری شود که به خاطر جلوگیری از آن، عمل جرم‌انگاری شده است؛ اما در شرایط کنونی، چند واسطه دیگر در سلسله علل متصور است، زیرا باید تحقیقات روی ماده خام صورت بگیرد، آن تحقیقات به نتیجه برسد، از آن نتایج استفاده شود، ماده زیستی جدید تولید شود و در نهایت، بهره‌برداری از آن ماده به فرسایش یا تخریب منجر شود. باز ممکن است گفته شود خطر در اینجا آن قدر شدید است که باید مراحل مقدماتی‌تر را نیز جرم شناخت. چنان‌که قانون‌گذار در جرائم علیه امنیت عضویت در گروه‌های مخمل امنیت که صرفاً مقدمه‌ای برای اعمال مجرمانه علیه امنیت است را جرم‌انگاری کرده است.<sup>۱</sup> در این زمینه نیز باید پاسخ داد اولاً، وجود یک استثنا وجود استثنای دیگر را توجیه نمی‌کند و اصل بر عدم جرم‌انگاری مراحل مقدماتی است؛ ثانیاً، با توجه به اینکه شروع به جرم نیز در جرائم مزبور در صورت تصویب لایحه جرم خواهد بود عملاً نیازی به جرم‌انگاری‌های مضاعف نخواهد بود؛

۱. ر.ک: ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات).

به عبارت دیگر، اگر طبق بند «ب» ماده ۸ اقدام به فرسایش یا تخریب، که «خطر» از بین رفتن آن منابع را در پی داشته باشد، جرم باشد، آغاز عملیات اجرایی این فرسایش نیز، که قاعدتاً پیش از آن خواهد بود، جرم محسوب می‌شود؛ حال با وضعیت موجود اگر نفس دسترسی جرم باشد، شروع به آن نیز که مراحل پیش از آن است به موجب مقررات عمومی قانون مجازات اسلامی، جرم خواهد بود. واضح است که این قبیل جرم‌انگاری‌ها منجر به توسعه بی‌رویه قلمرو حقوق کیفری می‌شود و ناقض اصل حداقلی بودن حقوق کیفری است.

آخرین صافی که ناظر بر بعد دوم ضرورت جرم‌انگاری بود بررسی نظام هزینه فایده در آن است. اصولاً کشورهای در حال توسعه نیازمند انجام تحقیقات در زمینه علوم و فناوری‌های جدید هستند، حال آنکه جرم‌انگاری رفتارهایی حتی با انگیزه تحقیقات (بند ۱ ماده ۱) می‌تواند کشور را از مزایای این فناوری در تولید محصولات ژنتیکی مرغوب محروم کند و زمینه وابستگی کشور به دیگر کشورهای دارای این فناوری را فراهم کند. حتی در کشور آلمان، که سرآمد توسعه در اروپاست، یکی از اساتید آلمانی اذعان دارد که از حیث عملی عرصه بر دانشمندان این حوزه تنگ شده و جایی برای عملی کردن ایده‌ها و پژوهش‌های علمی دانشمندان زیست فناوری وجود ندارد. نتیجه اینکه آلمان دانشمندان زیست فناوری خود را به دیگر کشورها کوچ می‌دهد؛ چراکه در آلمان هیچ آینده‌ای برای آن‌ها متصور نیست (حبیبی و معلی، ۱۳۹۴: ص ۳۲۲)؛ به علاوه، تبعیت نکردن از قانونی که مخاطبان آن را غیر عادلانه و غیر منطقی می‌دانند می‌تواند حس قانون‌شکنی را در جامعه تقویت کند و قانون را از اعتبار بیندازد؛ به ویژه در حوزه زیست فناوری که به سرعت در حال تحول است و اغلب قانون نمی‌تواند پایه پای آن تغییرات پیش رود (پورمحمدی، ۱۳۸۷: ص ۷۰). جرم‌انگاری از اقدامات پرهزینه برای حکومت است؛ این هزینه‌ها شامل هزینه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، محقق و محتمل، مادی و معنوی و غیره است. قانون‌گذار باید به کلیه این هزینه‌ها اشراف داشته باشد. آیا در تصویب لایحه مزبور این برآوردها صورت گرفته است؟

### نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد در تدوین لایحه حفاظت و بهره‌برداری از منابع ژنتیکی اصول جرم‌انگاری، اگر نگوییم تماماً، لاقلاً برخی اصول رعایت نشده است. مشروعیت جرم‌انگاری چنین اعمالی چه با دید غایت‌گرایانه و چه وظیفه‌گرایانه (ضرر یا اخلاق) مواجهه با چالش‌های جدی است. نمی‌توان به سادگی براساس زیان‌های محتمل و انتزاعی یا شهادهای اخلاقی آمیخته با تعصبات و احیاناً



تبلیغات رسانه‌ای، حوزه آزادی‌های فردی را محدود کرد. با فرض وجود مشروعیت نیز چالش بعدی این لایحه حدود جرم‌انگاری است که به اعمال مقدماتی تسری یافته است و این مغایر با اصل حداقل مداخله در فلسفه جرم‌انگاری است. حقوق کیفری، به‌عنوان آخرین راه‌حل، باید برای شدیدترین رفتارها به‌کار گرفته شود و بعید است بتوان نفس «دسترسی» یعنی در اختیار گرفتن و حتی «بهره‌برداری» به‌صورت استفاده از منابع ژنتیکی در تحقیقات را برای تولید ماده جدید توجیه کرد. به‌نظر می‌رسد حتی اگر به‌زعم قانون‌گذار مشروعیت جرم‌انگاری مسلم است، در قلمرو آن تجدید نظر کند.

### کتابنامه

۱. برهانی، محسن؛ رهبرپور، محمدرضا. ۱۳۹۰. «چرایی جرم‌انگاری در قلمرو اخلاق زیستی». فصلنامه حقوق. زمستان. دوره ۴۱. شماره ۴.
۲. پرت، جان. ۱۳۹۲. عوام‌گرایی کیفری. ترجمه هانیه هژبر الساداتی. تهران: نشر میزان. چاپ اول.
۳. پورمحمدی، علی. ۱۳۸۷. مبانی فلسفی اخلاق زیستی. تهران: مؤسسه فرهنگی حقوقی سینا. چاپ اول.
۴. حبیبی، سعید؛ معلی، مهدی. ۱۳۹۴. «حمایت حقوقی از نوآوری‌های زیست فناوری». تهران: سمت. چاپ اول.
۵. حکمت‌نیا، محمود؛ معلی، مهدی. ۱۳۹۱. «اخلاق زیستی و جایگاه آن در علوم انسانی». حقوق اسلامی. تابستان. شماره ۳۳.
۶. رهبرپور، محمد رضا. ۱۳۹۳. «مبانی فقهی ممنوعیت و جرم‌انگاری در قلمرو اخلاق زیستی». حقوق اسلامی. پاییز. شماره ۴۲.
۷. \_\_\_\_\_ . ۱۳۹۵. «حمایت کیفری از رویان در نظام حقوقی آلمان و ایران». علوم جنایی تطبیقی مجموعه مقالات در نکوداشت دکتر سیلویا تلنباخ. تهران: نشر میزان. چاپ اول.
۸. زوکر، آرتور. ۱۳۹۲. «اخلاق پزشکی». دانشنامه فلسفه اخلاق. ترجمه انشاءالله رحمتی. تهران: نشر سوفیا. چاپ اول.
۹. فرحبخش، مجتبی. ۱۳۹۲. جرم‌انگاری فایده‌گرایانه. تهران: نشر میزان. چاپ اول.
۱۰. فلاحی، احمد. ۱۳۹۳. اصل ضرورت در جرم‌انگاری. تهران: دادگستر. چاپ اول.

۱۱. فلچر، جوزف. ۱۳۸۷. «جنبه‌های اخلاقی کنترل ژنتیکی». مسائل اخلاقی. ترجمه علی‌رضا آل بویه. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. چاپ اول.
۱۲. کلارکسون، کریستوفر. ۱۳۹۱. حقوق جزای اختصاصی انگلستان و نقش حقوق جزا در جامعه. ترجمه حسین میرمحمد صادقی. تهران: انتشارات جنگل. چاپ اول.
۱۳. متولی‌زاده اردکانی، علی. ۱۳۸۹. ژنتیک رفتار و فرهنگ. تهران: انتشارات حقوقی. چاپ اول.
۱۴. محقق داماد، سید مصطفی. ۱۳۸۸. درآمدی بر اخلاق زیستی. تهران: مؤسسه فرهنگی حقوقی سینا. چاپ اول.